

بررسی نقش و انواع سیاق در کتاب «متشابه القرآن ومختلفه» از ابن شهر آشوب مازندرانی

محمد علی زاده قائمیه*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۰

محسن احتشامی نیا**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۲/۲۹

چکیده

سیاق در تفسیر قرآن کریم نقش بسیار مهمی دارد. با توجه به پیوستگی آیات در معنا، توجه به این نقش بسیار ضروری می‌نماید. سیاق می‌تواند تمامی فعالیت‌های تفسیری و فعلیت بخشی به مضمون نص را تحت پوشش قرار دهد. در همین زمینه در تحلیل موارد گوناگونی که از کتاب «متشابه القرآن و مختلفه» به وجود آمد می‌توان به این نکته توجه کرد که در این تفسیر به تحلیل رابطه آیات به صورت گسترده توجه کرده است. این پژوهش به نقش‌های سیاق و انواع آن، با توجه به کتاب «متشابه القرآن ومختلفه»/ ابن شهر آشوب می‌پردازد که این روش توانایی بیش‌تری در رابطه با سیاق دارد از جمله نقش‌ها: تبیین مجمل، تخصیص عام، تقیید مطلق، تعیین محتمل، کشف ارتباط معنایی، تعیین معنا، کشف دلالت‌های پنهان، تعیین نحوه قرائت، تعیین مصادیق، نقش سیاق در شرح لغت، ذکر شأن نزول، بیان احادیث تفسیری، بیان معانی حروف، بیان محذوفات به وسیله سیاق و همچنین انواع سیاق از جمله سیاق آیات، کلمات و جمله‌ها در «متشابه القرآن ومختلفه» می‌باشد.

کلیدواژگان: قرآن، ابن شهر آشوب، تفسیر، سیاق.

* گروه الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
alizadehmohammad888@yahoo.com

** گروه الهیات و معارف اسلامی - علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
m.ehteshaminia@yahoo.com

مقدمه

قرآن کریم اقیانوس بی‌پایانی است که غواصان معرفت هرگز به عمق آن نرسند و معجزه بی‌بدیلی است که هر زمان به اقتضای درک و معرفت بشری به گونه‌ای رخ می‌نماید و گوهر نابی است که برای اهل دل و عرفان جانشین و هم‌آوردی ندارد (خامه‌گر، ۱۳۸۶ ش: ۵). قرآن کتاب محکمی است که چینش و گزینش حروف، کلمات، عبارات‌ها، آهنگ و معانی آن را خداوند حکیم و آگاه بر عهده داشته و در جای جای آن هزاران هزار نکته ناگفته نهفته است (همان: ۶).

حضور درک عقلانی از مفهوم سیاق در میان خردمندان و عالمان حوزه تفکر اسلامی در عرصه تفسیر آیات و استنباط معانی و مقاصد قرآنی، از صدر اسلام انکارناپذیر است. از همان قرون ابتدایی به این امر مهم در بین تفاسیر پرداخته شده است اگرچه توسعه‌ای که امروزه دارد، در آن زمان نداشته است.

تفسیر «متشابه القرآن ومختلفه»/بن شهر آشوب مازندرانی در ده باب و هر باب در چندین فصل و در حدود ۲۰۰ روایت تفسیری به این صورت: روی عن النبی (ص)...، روی عن امیر المؤمنین (ع)...، ابن مسعود: قال النبی (ص)... تقسیم بندی شده است. اگرچه حجم بسیار زیادی از بیانات تفسیری از اصحاب و تابعین و اقوال مفسرین تحت عناوینی همچون؛ قال: ابن عباس...، قال: الجبائی...، قال: البلخی...، قال: الطوسی...، ذکر شده است. شاخصه اصلی تفسیر «متشابه القرآن ومختلفه»؛ استفاده از قرآن به عنوان منبع اصلی تفسیر است. در این تفسیر آیات با توجه به زمینه‌هایی که در فصول مختلف و همچنین باب‌های آن وجود دارد تفسیر شده است و بعد از آن جهت ایجاد هماهنگی بین آیات و روایات تفسیری، بیان می‌شود که نشان از توجه جدی ابن شهر آشوب به مسأله سنت است. از ویژگی‌های بارز این تفسیر، بهره‌گیری از این قاعده سیاق است. قابل ذکر است اگر چه در آن فقط در یک جا کلمه سیاق استفاده شده اما با توجه به مضامینی که ابن شهر آشوب انتخاب کرده به این مهم می‌توان اشاره کرد.

این مقاله به طور مشخص به بررسی نقش و انواع سیاق در تفسیر «متشابه القرآن ومختلفه» می‌پردازد و در نظر دارد انواع میان آن دو را به طور کامل استخراج نموده که آیا ایشان در آن زمان به اهمیت این موضوع اشاره داشته‌اند؟ و همچنین آیا نقدی هم

نسبت به این مواضع با توجه به بعضی از تفاسیر دوران معاصر وجود دارد؟ و همچنین آیا ابن شهر آشوب بعضی از نقل‌های کتاب خود را از دیگران مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد؟ این موارد همان جنبه مجهول مورد تحقیق ما در این مقاله است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی و تحلیلی است و با استفاده از کتاب «متشابه القرآن ومختلفه» و منابع دیگر به بررسی موضوعات اشاره شده پرداخته شده است.

پیشینه تحقیق

از مفسران متقدم شیعه، سید رضی صاحب «حقائق التأویل فی متشابه التنزیل» و شیخ طوسی صاحب تفسیر «التبیان» از ارتباط موجود میان آیات برای روشن شدن بسیاری از معانی بهره برده‌اند. طبرسی نیز در تفاسیر «مجمع البیان» و «جوامع الجامع» از سیاق بهره برده است. از متأخرین شیعه علامه بلاغی، صاحب تفسیر «آلاء الرحمن» در تکمیل عملیات نظم قرآنی در خلال مناسبت میان آیات به سیاق اهتمام ویژه‌ای دارد. دانشمندان علوم قرآنی و تفسیر در کتبی نظیر قواعد التفسیر، اصول التفسیر، مناهج التفسیر و مبانی تفسیر به "سیاق" با تعبیری چون تناسب آیات و سوره و اسلوب قرآن اشاره کرده‌اند که به عنوان نمونه می‌توان از «اصول التفسیر وقواعد» خالد عبدالرحمن //عک و «قواعد التفسیر لدی الشیعة والسنة» از محمد فاکر میبدی نام برد. قرینه سیاق به عنوان یکی از قواعد مهم تفسیری از دیرباز مورد توجه مفسران بوده است. از جمله مفسران متقدم اهل سنت می‌توان به طبری صاحب تفسیر «جامع البیان» و ابوحیان اندلسی صاحب تفسیر «البحر المحیط» اشاره نمود. در بعضی از کتب روش‌های تفسیری، به صورت مستقل به سیاق در ذیل قاعده در نظر گرفتن قراین، پرداخته شده است (رجبی، ۱۳۸۸ش: ۱۱۹) اما در بعضی از کتب دیگر، فقط تحت عنوان در نظر گرفتن قراین ذکر کرده‌اند (شاکر، ۱۳۹۴ش: ۴۲).

مفهوم و کارکرد سیاق

با توجه به اینکه سیاق از مفاهیم کلیدی مقاله حاضر است، به بررسی اجمالی معنای لغوی و اصطلاحی آن اشاره شده است.

سیاق از ریشه س-و-ق است که از نظر لغویون به معنای رشته پیوسته، راندن، تابع و... است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۳۲/۶؛ طریحی، ۱۴۰۸ق: ۱۸۸/۵؛ قرشی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۴/۳).

به مهریه زنان هم سیاق گفته‌اند چون اعراب در زمان قدیم مهریه زنان را شتران و چهارپایان قرار می‌دادند و آن‌ها را به خانه پدر عروس می‌راندند (بستانی، ۱۳۷۵ش: ۵۰۷/۲).

تحلیل و بررسی معانی لغوی نشان می‌دهد این تعریف‌ها و کاربردها بر معنای واحدی حرکت می‌کند و آن معنای تتابع و توالی، جمع و اتصال و ارتباط و تسلسل است. از منظر شهید صدر، منظور از سیاق، هرگونه دلیل دیگری است که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم آن را بفهمیم، پیوند خورده است، خواه از مقوله الفاظ باشد مانند کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و خواه قرینه حالی باشند مانند اوضاع و احوالی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشن‌گری دارد (صدر، ۱۴۱۰ق: ۱۰۳).

با دقت در تعریف شهید صدر معلوم می‌شود که وی تمام قراین لفظی و غیر لفظی و فضای نزول آیات که در فهم معانی قرآن مؤثر است را در محدوده سیاق معرفی نموده است. بنابراین جهت تشخیص معنای ظاهر از میان معانی محتمل، باید به هر دو دسته از قرائن فوق توجه نمود. چه بسا لفظی به تنهایی به کار رود و ظهور در معنایی داشته باشد اما در ضمن یک عبارت یا همراه با سایر کلمات، ظهور دیگری را به هم رساند.

ابن القیم درباره سیاق می‌گوید: «سیاق از بزرگ‌ترین قراین دال بر مراد متکلم است، پس هر کس آن را نادیده بگیرد در نظیرش به اشتباه افتد و در مناظراتش دیگران را به اشتباه اندازد» (ابن القیم الجوزیه، ۱۹۹۴م: ۳۰۱/۲).

نقش سیاق در تفسیر قرآن

دانشمندان علوم قرآنی به نقش سیاق در فهم و تفسیر قرآن توجه کرده‌اند. این نکته تا حدی بدیهی است که آیات بیرون از سیاق می‌توانند معنایی خلاف مقصود را برسانند. به عنوان مثال، اگر آیه ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ﴾ (الصافات/۹۶): «با اینکه خداوند هم شما

را آفریده و هم بت‌هایی که می‌سازید» را جدا از سیاق تفسیر نماییم این معنا را می‌رساند که خداوند هم بندگان و هم افعال آن‌ها را آفریده است. لکن با در نظر گرفتن سیاق در می‌یابیم که آیه مزبور به نقل از کلام حضرت ابراهیم(ع) به قوم خود و نکوهش آن‌ها به علت بت پرستی است و آیه در سیاق نکوهش شرک آن‌ها آمده است. از این رو مراد از «وَمَا تَعْمَلُونَ» بت‌هایی است که آن‌ها با دست خود می‌ساختند(قائمی نیا، ۱۳۹۳ش: ۳۲۹).

بررسی نقش‌های سیاق در متشابه القرآن ومختلفه

سیاق می‌تواند تمامی فعالیت‌های تفسیری و فعلیت بخشی به مضمون نص را تحت پوشش قرار دهد در همین زمینه در تحلیل موارد گوناگونی که از کتاب «متشابه القرآن ومختلفه» به وجود آمد می‌توان به این نکته توجه کرد که در این تفسیر به تحلیل رابطه آیات به صورت گسترده توجه کرده است و ما در اینجا با توجه به نقش‌های مختلفی که در این تفسیر به کار رفته و همچنین جهت تأیید بکارگیری نقش‌های مختلف از تفاسیر دیگر نیز استفاده و به نمونه‌هایی از آن‌ها پرداخته شده است.

مفسرین و صاحب‌نظران علوم قرآنی نقش‌های مختلفی را برای سیاق بیان کرده‌اند از جمله زرکشی چندین نقش‌هایی را ذکر کرده از جمله تبیین مجمل، یقین به عدم احتمال غیر مراد، تخصیص عام، تقیید مطلق، و تنوع دلالت(زرکشی، ۱۴۱۰ق: ۳۳۵/۲).

اگرچه زرکشی این موارد را نام برده اما توضیحی در این زمینه نداده است. العوی هر یک از این اقسام را توضیح و یک مورد هم بر آن‌ها افزوده است از جمله تعیین محتمل می‌باشد(العوی، ۱۳۸۲ش: ۷۲-۷۸) که در ذیل هر یک از مثال‌های قرآنی بر اساس کتاب «متشابه القرآن ومختلفه» این اقسام را ذکر و توضیحات آن‌ها را بیان می‌کنیم. همچنین مواردی دیگر از نقش‌های سیاق مطرح می‌باشند از جمله کشف ارتباط معنایی، تعیین معنا، کشف دلالت‌های پنهان، تعیین نحوه قرائت و تعیین مصادیق(قائمی نیا، ۱۳۹۳ش: ۳۳۲-۳۳۹). با بررسی کتاب به نقش‌های ذیل نیز توجه شده است که عبارت‌اند از نقش سیاق در شرح لغت، ذکر شأن نزول با توجه به سیاق، بیان احادیث تفسیری به وسیله سیاق، بیان معانی حروف با توجه به سیاق و بیان محذوفات به وسیله

سیاق. در ادامه به نمونه‌هایی از این نقش‌های مختلف سیاق در کتاب «متشابه القرآن ومختلفه» اشاره شده است.

۱. تبیین مجمل

تفصیل آنچه در متن آمده گاهی به بیان دیگر عناصر متن نیازمند است خود متن بافتی را برای فهم و تفصیل اجزایش فراهم می‌آورد. این تفصیل گاهی بخشی از خود بافت زبانی است؛ گویی به همان لفظ در متن آمده است و گاهی معناست که از بافت موضوعی فهمیده می‌شود و چیزی از حقایقی است که بافت کلی یا بافت فرهنگی متن متضمن آن است، و گاهی بافت دیگری از خود موضوع یا خود لفظ در موضع دیگری است؛ یا از متن و یا از بافت کلی (العوی، ۱۳۸۲ ش: ۷۲).

ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿عَلَيْهَا تَسْعَهُ عَشْرٌ﴾ (المدثر/ ۳۰): «نوزده نفر (از فرشتگان عذاب) بر آن گمارده شده‌اند!» اشاره به مجمل بودن این آیه داشته است و می‌گوید نمی‌دانیم منظور نوزده نفر تک هستند یا ده ده یا صد صد یا هزار هزار. اما در ادامه با اشاره به نقلی از ابن عباس و قتاده و ضحاک می‌گوید: «تعداد فرشتگان موکل بر آتش، در تورات و انجیل نوزده نفر هستند و این تعداد در قرآن به عنوان تصدیق و تأیید پیغمبر اسلام (ص) ذکر شده است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ ش، ج ۱: ۲۰-۲۱).

بنابراین ابن شهر آشوب با توجه به سیاق، به تبیین مجمل با اشاره به نقلی روایی پرداخته است.

۲. تخصیص عام

عام لفظی است که بدون حصر تمامی افرادی که صلاحیت آن را دارند فرا می‌گیرد. در این زمینه صیغه‌های گوناگونی برای آن لفظ عام وجود دارد از جمله لفظ «کل»، الذی، اسم جنس معرفه به «ال» و غیره می‌باشد (سیوطی، ۱۳۹۱ ش: ۵۱/۲-۵۲).

ابن شهر آشوب در ذیل آیه ﴿مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ﴾ (الناس / ۴-۶) «از شرّ وسوسه‌گر پنهانکار (۴) که در درون سینه انسان‌ها وسوسه می‌کند (۵) خواه از جنّ باشد یا از انسان (۶)» در زمینه‌هایی از شرّ وسواس مواردی را در قالب عام بیان می‌کند و

می‌گوید: از شر وسواس کننده پنهان شونده‌ای که عمومیت داشته باشد سپس به جن و شر تفسیر شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ش: ۵۹/۱). علامه طباطبایی می‌گوید: «اما اینکه بعضی گفته‌اند که کلمه "الناس" هم بر جماعتی از انسان‌ها اطلاق می‌شود و هم بر جماعتی از جن، و جمله «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ» بیان‌گر این معنای اعم است سخنی است بی‌دلیل که نباید به آن اعتنا کرد» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۶۶۰/۲۰). در اینجا مورد توجه قرار می‌گیرد که علامه با این دید تفسیری به نقد معنای کلمه الناس می‌پردازد.

۳. تقیید مطلق

ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ﴾ (الأعراف/۳۰) «جمعی را هدایت کرده؛ و جمعی (که شایستگی نداشته‌اند) گمراهی بر آن‌ها مسلّم شده است» می‌گوید: کلمه "هَدَى" مطلق، و به معنی بیان و نجات می‌باشد (همان: ۲۱۷/۱). ایشان با توجه به سیاق خواننده را به آیه قبل فرامی‌خواند که می‌فرماید: ﴿كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾ (الأعراف/۲۹) «همانگونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز می‌گردید». ابن شهر آشوب آیه ﴿كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾ را بر کلمه "هَدَى" مقید کرده است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «سیاق کلام ظهور در آن دارد که جمله ﴿فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ﴾، حال از فاعل "تَعُودُونَ" باشد و همین حال وجه اشتراکی باشد که بازگشت را شبیه بر ابتدای خلقت نموده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۹۲/۸).

۴. تعیین محتمل

در تفسیر برخی از آیات، احتمال‌های گوناگونی به ذهن می‌آید. در چنین مواردی مفسر می‌تواند با توجه به سیاق، یکی از آن‌ها را بر احتمالات دیگر ترجیح دهد. یعنی ترجیح یکی از دو وجه یا وجوه احتمالی کلام (چه مرکب و چه مفرد)؛ زبان قرآن در بردارنده گونه‌های زیادی است که گاهی به ترجیح یکی از آن گونه‌ها برای رفع ابهام و گمان نیاز می‌افتد (العوی، ۱۳۸۲ش: ۷۳). تعیین محتمل به واسطه ملاحظه و فهم بافت همان است که تطبیق آن بر واژگان چند وجهی احتمالی جریان خواهد یافت که این پژوهش به مثابه نمونه‌هایی به آن می‌پردازد، و این جنبه از نقش بافت در تعیین معنا یا

حاصل آن را، چه نسبت به پیشینیان و چه این بررسی کنونی، بیان خواهیم نمود. / ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِغُ بِحَمْدِهِ﴾ (الإسراء/۴۴) در زمینه معنای تسبیح می‌گوید: «این نوع تسبیح ممکن است شنیدنی یا غیر شنیدنی یا از جهت دلالت باشد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ ش، ج ۱: ۳۳) که / ابن شهر آشوب در نهایت حالت دلالت را بر سایر دلایل ترجیح می‌دهد و آن را بیان می‌کند (همان).

نمونه دیگر اینکه / ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدْرِكُمْ﴾ (آل عمران/۱۵۴) دو احتمال را بیان می‌کند. یکی آنکه با شما همانند فرد امتحان شده رفتار می‌کند تا عدالت را نشان دهد، و احتمال دیگر اینکه تا اولیای خدا آنچه را در دل‌های شماست بیازمایند، ولی در آیه امتحان را به خدا نسبت داده تا تعظیم شود (همان، ج ۱: ۸۵).
/ ابن شهر آشوب با توجه به سیاق، احتمالاتی را که در دو آیه بوده است بیان می‌کند و در کتاب تفسیری خود به تبیین آن احتمالات می‌پردازد.

۵. کشف ارتباط معنایی

بر اساس آیه ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (البقره/۲۹) / ابن شهر آشوب با توجه به آیات دیگر به این نقش سیاق پرداخته است. ایشان آیاتی را از جمله آیه ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ﴾ (الروم/۲۵) و ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ (لقمان/۱۰) و ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ﴾ (هود/۷) و ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران/۱۹۰) را در این مسأله ذکر می‌کند (همان: ۴/۱). اگرچه این آیات به طور مستقیم ارتباط خود را با آیه ۲۹ بقره حفظ نکرده‌اند اما اصل مهمی که می‌توان به آن پرداخت در زمینه خلقت آسمان و زمین است که از بین این آیات به ارتباط معنایی کاملاً اهتمام ورزیده است و می‌توان به نوع نقش سیاق در این زمینه کاملاً پرداخت.

۶. تعیین معنا

یکی از نقش‌های سیاق تعیین معنای واژه‌ها می‌باشد. معنای واژه‌ها به طور دقیق در میان جمله‌ها کاملاً مشخص می‌شود. / ابن شهر آشوب از این جمله کاملاً بهره برده است

در ذیل آیه ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ (لقمان/ ۱۰) می‌فرماید: «اینکه ستونی ندارند تا تکیه گاه آن‌ها باشد اگر ستونی داشتند آن‌ها را می‌دیدند بنابراین ستونی ندارند» (همان: ۲/۱).

علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: دو احتمال وجود دارد: ۱. اینکه قید توضیحی باشد و معنا این است که (شما آسمان‌ها را می‌بینید که ستون ندارند) ۲. احتمال دارد قید احترازی باشد و معنا چنین است که (خدا آن‌ها را ستونی دیدنی خلق کرده است) تا اشاره به این باشد که آسمان‌ها ستون دارند لکن دیدنی نیستند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۵/۱۶).

شیخ طوسی در آیه ۱۰ لقمان می‌گوید: «مقصود نفی می‌باشد یعنی اگر ستونی داشت شما حتماً آن را می‌دیدید» (طوسی، ۴۰۹ق: ۲۷۲/۷).

بنابراین نظر ایشان در تعیین معنا با توجه به تفاسیر مطرح شده در دوران متقدم و معاصر در تعیین معنا با/بن شهر آشوب هماهنگی دارد که ایشان در آیات متفاوتی به این مهم پرداخته است. /بن شهر آشوب در ذیل آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا﴾ (الفاطر/ ۴) نقلی را از رمانی مطرح می‌کند و آن اینکه آسمان‌ها غیر از افلاک هستند چون افلاک حرکت می‌کنند و دور می‌زنند و آسمان‌ها نه حرکت می‌کنند و نه دور می‌زنند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ش: ۳/۱). اما/بن شهر آشوب در این ارتباط این مورد را قبول ندارد و می‌گوید: «مانعی ندارد که آسمان‌ها همان افلاک باشند هرچند که متحرک باشند. چون می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا﴾ به معنای اینکه از مرکزی که حول آن دور می‌زند زائل نمی‌شود، و اگر حفظ نبود به بیراهه می‌رفت و سقوط می‌کرد» (همان).

در این زمینه علامه طباطبایی در «المیزان» می‌فرماید: «جمله "تزولا" متعلق به امساک است. یعنی اینکه «نگه می‌دارد از اینکه فرو ریزند» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۵۶/۱۶). بنابراین با توجه به دیدگاه علامه طباطبایی که به اهمیت نقش سیاق توجه داشتند مشخص می‌شود که /بن شهر آشوب نیز در تفسیر خود از این آیه معنای کلمه را مورد توجه قرار داده است و به این نقش سیاق در تعیین معنای لغت اهتمام و حتی دیدگاه افراد دیگر را مورد نقد قرار داده است.

۷. کشف دلالت‌های پنهان

آیات نحوه جریان خاصی دارند این نحوه جریان همان سیاق آیات است گاهی مسیر این جریان تغییر می‌یابد و نوسانی در سیاق به وجود می‌آید. این تغییر راه را بر پاره‌ای از برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌ها باز می‌کند و به فهم مفسر جهت خاص می‌دهد به عبارت دیگر، اصل در نظم و ترتیب آیات بر این است که جریان واحدی بدون تغییر داشته باشند و اگر در موردی تغییری در این جریان راه یافت مفسر می‌تواند به معانی و دلالت‌های پنهانی دست یابد (قائمی نیا، ۱۳۹۳: ۳۳۲).

ابن شهر آشوب در ذیل آیه ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ (آل عمران/۱۹۰) می‌فرماید: «وجه اشکال در مورد آفرینش آسمان‌ها توسط خداوند است که هنوز ثابت نشده که آفریده شده‌اند در پی هم آمدن نور و تاریکی دلالت بر حدوث اجسام دارد از طرفی بر حسب تقدیر خلق‌اش مورد استدلال است چون حجت بر آن اقامه نشده از آنجا که از معانی محدثه تفکیک نمی‌شود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۳/۱). علامه طباطبایی می‌فرماید: «گویا مراد از "خَلَقَ" کیفیت وجود و آثار و افعال از حرکت و سکون و دگرگونی‌های آسمان و زمین باشد نه پیدایش آن‌ها، در نتیجه خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف لیل و نهار مشتمل بر بیش‌تر آیات محسوس خداوند متعال می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۲/۴). در بین این خلقت آسمان‌ها و زمین / ابن شهر آشوب با توجه به سیاق آیه، به این امر توجه می‌کند که در پی هم آمدن نور و تاریکی دلالت بر حدوث اجسام دارد که به این دلالت پنهان از بین تفسیر خود مورد توجه قرار داده است.

۸. تعیین نحوه قرائت

نحوه قرائت در معانی آیه‌ها تأثیرگذار است این خصوصیت در زبان عربی بسیار برجسته است. ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمَلِكَيْنِ بَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ﴾ (البقره/۱۰۲) به نقلی از ابن عباس اشاره کرده که می‌خوانده: «وما أنزل علی الملکین» به کسر لام (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳: ۲۲/۱).

نشان می‌دهد / ابن شهر آشوب با توجه به سیاق و همچنین قرائت به معنای کلمه "الملکین" به نقل‌های دیگر توجه داشته است.

۹. تعیین مصادیق

گاهی توجه به سیاق، به تعیین مصادیق کمک می‌کند (قائمی نیا، ۱۳۹۳ش: ۳۳۴).
ابن شهر آشوب ذیل دو آیه ﴿هُوَ أَشْأَكُ فِي الْأَرْضِ﴾ (هود/۶۱) و ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ﴾ (غافر/۶۷) نظر جیبایی را که می‌گوید: «شما را از آدم آفرید و آدم را از خاک» به صورت قوی بیان کرده‌اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ش: ۶/۱).
بنابراین ابن شهر آشوب یکی از مصادیق زمین را، خاک معرفی می‌کند و به این نقش سیاق با توجه به آیه ۶۷ غافر توجه کافی نشان داده است.

۱۰. نقش سیاق در شرح لغت

نمونه دیگر از این نقش سیاق، آیه ﴿وَيَصِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي﴾ (شعراء/۱۳) مطرح می‌باشد که ابن شهر آشوب می‌گوید: تنگی سینه از رفتار و کردار معنا در نفس انسان جلوگیری می‌کند. در ذیل معنای «لا ينطلق لسانى» می‌گوید: «تکلم نمی‌کند و شاید این عمل ناممکن شود چون سینه تنگ شده و معانی و معنویاتی که برای تکلم لازم هستند از بین می‌رود» (همان: ۱۳/۱).

طبرسی ذیل این آیه می‌گوید: «باید دانست که آزاد نبودن زبان موسی (ع) از دل‌تنگی است نه از عیب زبان» (طبرسی، ۱۳۶۰ش: ۱۸۶/۴).

شیخ طوسی ذیل «لا ينطق لسانى» می‌گوید: «برای سخن گفتن برانگیخته نمی‌شود و شاید ناممکن بودن آن به خاطر تنگی سینه است و نیز گفته شده به خاطر عقده‌ای که در زبان موسی (ع) بوده درست حرف نمی‌زده و سخن بر زبان او جاری نمی‌شده است» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۹/۸-۱۰).

بنابراین با نظرات گوناگون مفسرین در ارتباط با این آیات این نقش سیاق را مورد توجه قرار می‌دهند.

۱۱. بیان شأن نزول با توجه به سیاق

ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ﴾ (مائده/۵۴) به شأن نزول آیه می‌پردازد و می‌گوید: «آیه در شأن امام علی (ع) نازل شده است زیرا به دنبال این آیه،

آیه ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾ (مائده/۵۵) نازل شده است «ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ ش: ۵۶۳/۱). و همچنین در زمینه شأن نزول آن هم در تفسیر عیاشی به علی(ع) اشاره می‌شود(عیاشی، ۱۳۸۰ ش: ۳۲۷/۱).

۱۲. بیان احادیث تفسیری به وسیله سیاق

ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوِنَهَا﴾ (لقمان/۱۰) یک روایت تفسیری را بیان می‌کند که حسین بن خالد از امام رضا(ع) درباره آیه ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ﴾ (الذاریات/ ۷) سؤال کرد: امام(ع) فرمودند: به زمین بسته شده و انگشتان خود را به هم درگیر کرده(ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ ش: ۲/۱).

۱۳. بیان معانی حروف با سیاق

ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ﴾ (بقره/۱۷۵) در ارتباط با معنای "ما" که به صورت تعجب و یا استفهام به کار رفته نقل‌هایی را با توجه به معنای سیاق آیه، بیان می‌کند و می‌گوید هدف آیه این است که به ما نشان دهد که کافران جایگزین متعجب‌منه شده‌اند بنابراین در این نوع تعجب، در واقع تعجب از ماست(ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ ش: ۸۵/۱). بنابراین ابن شهر آشوب معنی حرف "ما" را با توجه به سیاق مشخص می‌کند که در این بین نظر بعضی از مفسران بر استفهام بودن این حرف هم می‌باشد.

۱۴. بیان محذوفات با توجه به سیاق

ابن شهر آشوب ذیل آیه ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ﴾ (فجر/۲۲) اشاره به زمینه محذوف در آیه، با توجه به سیاق کرده است و می‌گوید: «معنای آیه ﴿وَجَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ﴾ می‌باشد که اشاره به کلمه محذوف شده است. و همچنین نقلی را از حسن ذکر کرده که آن امر محذوف "وعد" می‌باشد و می‌گوید: ﴿وَجَاءَ وَعْدُ رَبِّكَ﴾ (همان: ۱۳۸/۱).

بنابراین ابن شهر آشوب در این زمینه وارد می‌شود و مسائلی را مطرح می‌کند اگرچه در ارتباط با این موضع در ذیل مباحث مربوط به محکم و متشابه مواردی قابل طرح نیز می‌باشد که این محذوفات دلیل بسیار مهمی را دارا هستند.

انواع سیاق آیات

۱. سیاق آیات

آیات کریمه قرآن، از نظر بلندی و کوتاهی بسیار مختلف است یکی از شروطی که برای تحقق سیاقی که از تتابع جملات نشأت می‌گیرد و در زمینه سیاق آیات مطرح می‌باشد، ارتباط موضوعی است که جمله‌ها با هم ارتباط داشته باشند (رجبی، ۱۳۸۸ ش: ۱۲۷-۱۳۶).

در آیه ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ (غاشیه/۱۷) / ابن شهر آشوب می‌گوید: «برای خداوند فیل‌ها با شیرها از نظر دلالت فرقی ندارند و حتی طاووس و میمون هیچ تفاوتی ندارند بنابراین آسمان را با شتران و زمین را با کوه‌ها قرین ساخته است» (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ ش: ۶/۱).

بعد از آنکه اوصاف غاشیه و حال دو طایفه مؤمن و کافر را بیان نمود، دنبال‌اش اشاره‌ای اجمالی کرد به تدبیر ربوبی که به خوبی دلالت بر ربوبیت خدای تعالی می‌کند، ربوبیتی که مقتضی وجوب عبادت است، و لازمه آن هم رسیدن به حساب اعمال و جزا دادن به مؤمن و کافر است، مؤمن را در برابر ایمانش، و کافر را در برابر کفرش، و ظرفی که این حساب و جزا در آن واقع می‌شود همان روز غاشیه است. پس تدابیر کلی همه‌اش بدون هیچ شکی مستند به خدای تعالی است. بنابراین، او رب آسمان و زمین و موجودات بین آن‌ها است، در نتیجه رب عالم انسانی هم او است که بر انسان‌ها واجب است ربوبیت‌اش را گردن نهند، و یگانه در ربوبیت‌اش بدانند و تنها او را بپرستند، و چگونه واجب نباشد با اینکه در پیش رویشان عالم آخرت و غاشیه را دارند که به حسابشان رسیدگی شده، جزای نیک و بدشان را می‌بینند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش: ۴۵۹/۲۰-۴۶۰).

سوره غاشیه با توصیفی از بهشت و نعمت‌های آن و دوزخ و عذاب‌های آن شروع می‌شود. سپس درباره توحید و یگانگی خداوند سخن می‌گوید. خداوند در این آیات به انسان‌ها می‌گوید به شگفتی‌های آفرینش توجه کنند؛ مانند شگفتی آفرینش شتر، آسمان، کوه‌ها و زمین. اسرار و شگفتی‌های این مخلوقات، انسان را به سوی آفریدگارشان راهنمایی می‌کند (خرمشاهی، ۱۳۷۷ ش: ۱۲۶۳/۲).

قابل توجه است که با توجه به گفتارهای تفسیری، آیات ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ غاشیه نوعی ارتباط موضوعی دارند که *ابن شهر آشوب* به این مورد توجه کامل داشته است.

۲. سیاق کلمات

منظور از سیاق کلمات، خصوصیتی است برای کلمه‌ها که از کنار هم قرار گرفتن دو یا چند کلمه در ضمن یک جمله به وجود می‌آید اعم از اینکه آن دو یا چند کلمه، موضوع و محمول جمله مورد نظر باشند که به آن «تناسب حکم و موضوع» نیز گفته می‌شود، یا اینکه فعل و مفعول و یا معطوف علیه و یا غیر آن باشند. قرینه بودن این نوع سیاق و تأثیر آن در تعیین و تحدید معنای واژه‌ها، از قوی‌ترین قراین سیاقی است (رجبی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۵).

ابن شهر آشوب ذیل ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ﴾ (المؤمنون/۱۲) می‌گوید: «در آن دلالتی است به اینکه انسان، همچون جسمی است که دیده می‌شود چون از نطفه آفریده شده است و از سلاله‌ای خلق شده است غیر از آنچه معمر و دیگران اعتقاد دارند» (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ش: ۸/۱).

در این زمینه علامه *طباطبایی* در «المیزان» با توجه به سیاق کلمات، کلمه «خَلَقَ» خلق ابتدایی بیان می‌کند و بنا بر قولی به اندازه گیری ترجمه می‌کند و می‌فرماید: «کلمه خلق در اصل به معنای تقدیر و اندازه گیری بوده است و معنای آیه این می‌شود که: ما انسان را در آغاز از چکیده و خلاصه‌ای از اجزای زمین که به آب آمیخته بود (اندازه گیری) کردیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۲۴/۱۵).

ابن شهر آشوب با توجه به کلمه «الإنسان»، معنای آن را با توجه به آیه، مطرح می‌کند و این مورد قابل توجه است که ایشان در تفسیر خود به این نوع سیاق پای‌بند بوده است و همچنین علامه *طباطبایی* کلمه خَلَقَ را با توجه به سیاق آیه معنا می‌کند.

۳. سیاق جمله‌ها

مقصود از قرینه بودن سیاق جمله‌ها آن است که یک جمله از قرآن کریم، قرینه برای جمله‌ای دیگر در همان آیه قرار گیرد، و در تعیین مقصود از جمله دیگر مؤثر واقع شود

که مفسران از گذشته در تفسیر آیات قرآن از این نوع سیاق استفاده کرده‌اند (رجبی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۷).

در آیه ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ﴾ (اعراف/ ۱۷۲) / ابن شهر آشوب به نوع سیاق جمله‌ها اهمیت قائل می‌شود و جمله "أَشْهَدُهُمْ" را نسبت به ﴿مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ﴾ را در این نوع سیاق تفسیر می‌کند و می‌گوید: «ذریه بیرون آمده از پشت آدم اگر مورد خطاب واقع شود باید عاقل و کامل و مکلف باشد چون در غیر این صورت، خطاب به آن‌ها با شهادت آن‌ها قبیح خواهد بود هر چند که در کمال عقل باشند باید آن را ذکر می‌کرد و آفرینش و کمال عقلی آن‌ها به این حالت نخواهد بود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۳ش: ۹/۱). علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه می‌فرماید: ﴿وَأَشْهَدُهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ از یک فعل دیگر خداوند بعد از جدا ساختن ابناء بشر از پدران خبر می‌دهد، و آن فعل خدا این است که هر فردی را گواه خودش گرفت، و اشهاد بر هر چیز حاضر کردن گواه است در نزد آن و نشان دادن حقیقت آن است تا گواه، حقیقت آن چیز را از نزدیک و به حس خود درک نموده و در موقع به شهادت به آنچه که دیده شهادت دهد، و اشهاد کسی بر خود آن کس نشان دادن حقیقت او است به خود او تا پس از درک حقیقت خود و تحمل آن در موقعی که از او سؤال می‌شود شهادت دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۴۰/۱/۸). و از آنجایی که نفس هر صاحب نفسی از جهاتی به غیر خود ارتباط و تعلق دارد، و ممکن است انسان نسبت به پاره‌ای از آن‌ها استشهاد شود، و نسبت به پاره‌ای دیگر نشود، از این رو اضافه کرد: ﴿أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾ تا بدین وسیله مورد استشهاد را معلوم کرده باشد، و بفهماند آن امری که برای آن، ذریه بشر را استشهاد کرده‌ایم ربوبیت پروردگار ایشان است تا در موقع پرستش به ربوبیت خدای سبحان شهادت دهند (همان).

نتیجه بحث

سیاق جایگاه ویژه‌ای در تفسیر آیات قرآن کریم دارد. ابن شهر آشوب در «متشابه القرآن ومختلفه» در تلاش به این مؤلفه مهم بوده است. بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی از جمله زرکشی و مفسرین به این نقش‌های مهم سیاق اشاره کرده‌اند.

در این مقاله نیز بیان شد که /بن شهر آشوب به این نقش‌ها توجه داشته‌اند اگرچه ایشان در تفسیر «متشابه القرآن ومختلفه» به آن اشاره نکرده‌اند اما با بررسی این مجموعه، این موارد به دست می‌آیند از جمله تبیین مجمل، تخصیص عام، تقيید مطلق، کشف ارتباط معنایی، تعیین معنا، کشف دلالت‌های پنهان، تعیین نحوه قرائت و... می‌باشند. در کنار نقش‌های سیاق به انواع سیاق اشاره گردید که از جمله سیاق در آیات، سیاق در کلمات، و سیاق در جمله‌ها می‌باشد.

به این نتیجه مهم می‌توان اشاره کرد که /بن شهر آشوب در بعضی از جملات با نقل از دیگران که انجام داده است خود نیز به نقد آن‌ها می‌پردازد.



کتابنامه

قرآن کریم.

ابن شهر آشوب المازندرانی السروی، محمد بن علی. ۱۳۹۳ش، **متشابه القرآن ومختلفه**، تحقیق مؤسسه الامامیه للثقافة والبعث العلمی بمازندران مرکز الدراسة وإحياء آثار ابن شهر آشوب السروی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ابن قییم الجوزیه، شمس الدین محمد. ۱۹۹۴م، **بدائع الفوائد**، تحقیق بشیر محمد عیون، بیروت: دار البیان.

ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، چاپ سوم، بیروت: دار الفکر.

بستانی، فؤاد افرام. ۱۳۷۵ش، **فرهنگ ابجدی**، ترجمه رضا مهیار، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامی.

خامه گر، محمد. ۱۳۸۶ش، **ساختار هندسی سوره‌ها**، چاپ دوم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. ۱۳۷۷ش، **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**، تهران: دوستان - ناهید.

رجبی، محمود. ۱۳۸۸ش، **روش شناسی تفسیر قرآن**، مؤلفان: علی اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی کیا، مجتبی روحانی راد، چاپ چهارم، قم: زیتون.

الزرکشی، محمد بن عبدالله. ۱۴۱۰ق، **البرهان فی علوم القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه.

صدر، محمد باقر. ۱۴۱۰ق، **دروس فی علم الاصول**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۷۴ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، تهران: انتشارات فراهانی.

طریحی، فخرالدین بن محمد. ۱۳۷۵ش، **مجمع البحرين**، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.

الطوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی. ۱۴۰۹ق، **التبیان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات مکتبه العالم الإسلامیه.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. ۱۳۹۱ش، **الاتقان فی علوم القرآن**، به قلم سید مهدی حائری قزوینی، چاپ نهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

شاکر، محمد کاظم. ۱۳۹۴ش، **مبانی و روش‌های تفسیری**، چاپ دوم، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص).

العوی، سلوی محمد و سید حسین سیدی. ۱۳۸۲ش، **بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن**، چاپ اول، مشهد: به نشر.

عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰ش، **تفسیر العیاشی**، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ اول، تهران: چاپخانه علمیه.

قائمی نیا، علیرضا. ۱۳۹۳ش، **بیولوژی نص و نشانه شناسی و تفسیر قرآن**، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

قرشی، علی اکبر. ۱۴۱۲ق، **قاموس قرآن**، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

Bibliography

HolyQuran.

Ibn Shahr Ash-e-Alamzandarani al-Sarwi, Mohammed ibn Ali, 2014, Al-Qar'an and different, Al-Tahaq al-Māmīšā al-Amamiyya Ilṣaqafa and al-Bhātīs al-Alami Alamāndar al-Daraṣa center and works of Ibn Shahr-Ashraw al-Sarwi, first edition, Tehran, Scientific and Cultural Publishing.

Ibn Qim al-Jozia, Shamsuddin Muhammad, 1994 M, Bada'a al-Fawaed, Bashir Mohammad Ayoun, Beirut, Dar al-Bayan.

Ibn-i-Muhammad, Mohammed bin Makram, 1414 AH, Lissan al-Arab, third edition, Beirut, Dar al-Fakr.

Bassati, Fouad Efram, 1375, Cultural Abuji, Translator Reza Mahyar, Second Edition, Tehran, Islamic Publishers.

Creator, Mohammad, 2007, Geometric structure of surahs, Second edition, Tehran, Islamic propaganda organization.

Jerusalem, Baha'addin, 1377, Quranic verses and Qur'anic Studies, Tehran, Friends-Nahid.

Rajabi, Mahmoud, 2009, Methodology of Qur'anic Interpretation, Authors: Ali Akbar Babaee, Gholamali Azizi Kia, Mojtaba Rohani Rad, Fourth Edition, Qom, Olive.

Al-Zaraki, Mohammad bin Abdullah, 1410 AH, Al-Burhan Fayyas al-Quran, First edition, Beirut, Dar al-Marrafa.

Sadr, Mohammad Baqir 1410 AH, Lessons of Philosophy, Qom, Al-Nasr al-Islami Institute.

Tabatabai, Mohammad Hussein, 1374, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Translation by Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani, Fifth Edition, Qom, Islamic Printing Office of Teachers of Qom Seminary.

Tabriz, Fazl ibn Hasan, 1360s, Assembly of the Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran, First edition, Tehran, Farahani Publication.

Tarihi, Fakhredin ibn Muhammad, 1375, Assembly of the Al-Bahrain, Researcher and Moderator Ahmad Hosseini Eshkevari, Tehran, Mortazavi.

Al-Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn al-Hasan ibn Ali, 1409 AH, Al-Tabayan al-Fektazir al-Quran, Qom, Maktabay al-Alam al-Islamiyah publication.

Siouti, Jalal al-Din Abdul Rahman, 1391, Al-Taqaan Fayyas al-Quran, by Seyyed Mehdi Haeri Ghazvini, 9th edition, Tehran, Amir Kabir Publishing House.

Shaker, Mohammad Kadhim, 1394, Basics and Methods of Interpretation, Second Edition, Qom, International Center for Translation and Publishing of Al-Mustafa (PBUH).

Alavi, Salavi Mohammad, Seyyedi, Seyyed Hossein, 1382, A Study of the Linguistics of the Funds and the Other in the Quran, First Printing, Mashhad, to the Publication.

Ory, Mohammad bin Masood, 1380s, Taqdir al-Ayasi, Rasoul-Mahallati's research, Seyyed Hashem, First Printing, Tehran, Printing House of the Seminary.

Ghaemina, Alireza, 2014, Biology of Nursing, Semiology and Qur'anic Interpretation, Second Edition, Tehran, Publishing and Research Organization of Islamic Culture and Thought.

Ghorashi, Ali Akbar, 1412 AH, Qaman Quran, 6th edition, Tehran, Dar al-Kabul al-Islam.



A Study on the Role and Types of Context in Mutashābah al-Qur'an by Ibn Shahr Ashoub Mazandarani

Mohammad Alizadeh Qa'emiyeh

PhD Candidate, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Central Tehran

Mohsen Ehteshami Nia

Assistant Professor, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Central Tehran

Abstract

Context plays a very important role in interpretation of Holy Quran. According to Verses' cohesion in meaning, attention to this role is very necessary. It may cover all the interpretive and actualizing activities of the text. In this regard and in analyzing the various cases out of "Mutashābah al-Qur'an" book; it should be noted that in this interpretation, the relation analysis of the Verses has been extensively considered. The present research deals with the roles of types and their variants, according to Ibn Shahr Ashub's book in which has a greater ability to relate to politics including: explanation, generalization, absolute subordination, probability determination, semantic relation discovery, meaning determination, discovering hidden meanings, determining how to read, identifying instances, the role of the lexicographer, mentioning the dignity, expressing the interpretive traditions, expressing the meanings of the letters, expressing the meanings of the syllables, as well as the types of syllables words and sentences in " Mutashābah al-Qur'an".

Keywords: Quran, Ibn Shahr Ashoub, interpretation, concept.

پروژه‌های علمی و مطالعات قرآنی
پرتال جامع علوم انسانی